تک خبر

## توضیح چمران درباره واریز میلیاردی به حساب یک عضو شورا

● **ایسنا:** دو روز پیش عبدالحسین مختاباد در اولین تذکر پیش‌ازدستور در صحن علنی شورا از واریز میلیاردهاتومان پول به حساب یک عضو شورای شهر خبر داد و گفت: چطور ممکن است یک نماینده عضو شورای شهر که حق امضا نیز دارد میلیاردهاتومان پول در حسابش باشد. وی با بیان اینکه این چندمیلیاردتومان پول در حساب نماینده، برای شورا ننگ است و باید این فرد در قبال این پول پاسخگو باشد، گفت: سود این پول نزدیک به صدمیلیون‌تومان است و اگر شورا به موضوع رسیدگی نکند، پای سازمان بازرسی کل کشور را به میان خواهد کشید تا آنها به تخلفات چندمیلیاردتومانی این عضو شورا رسیدگی کنند اما مهدی چمران، رییس شورای شهر پایتخت می‌گوید: هیچ نماینده‌ای در شورا حساب شخصی ندارد که بتواند این مقدار پول را در آن دپو کند. مهدی چمران در مورد این موضوع افزود: اعضای شورا، شخصا پولی در اختیار ندارند و حتی رییس شورا نیز با دو امضا می‌تواند پول برداشت کند. وی با بیان اینکه ستادهای زیرمجموعه شورای شهر نیز باید پول مورد نیاز را در داخل ستاد تصویب و با دو امضا دریافت کنند، اظهار کرد: رقم مصوب ممکن است نزدیک به رقمی که مختاباد اعلام کرده است باشد اما رقم بودجه دراختیار، این مقدار نیست. رییس شورای شهر تهران با بیان اینکه پول کمیسیون به‌صورت قطره‌چکانی به آنها داده می‌شود، گفت: اینگونه نیست که پول یکدفعه در اختیار اعضا قرار گیرد و بر همین اساس باید در جلسات بعدی رسیدگی شود.

ادامه از صفحه اول

## پیامد «عدم‌اعتماد»

۲- بخش دیگر هزینه‌های عدم‌رای‌اعتماد به نیلی‌احمدآبادی، متوجه هزینه‌هایی است که به دولت تحمیل می‌شود. دیروز گمانه‌زنی‌های راهرو مجلس به تریبون‌ها آمد و مخالفان نیلی‌احمدآبادی را گزینه دولت ندانستند. حتی برخی منتقدان دولت گام‌های بلندتری برداشتند و این اقدام را همچون مشی جریان انحرافی در تعامل با مجلس خواندند. ادعایی که باوجود تکذیب صریح روحانی، در رای منفی بالا به نیلی بی‌اثر نبود. نتیجه رای‌گیری دیروز؛ می‌تواند قدرت مانور اقلیت منتقد دولت در مجلس را افزایش دهد و در احتمال همکاری مجلس با گزینه‌های محتمل‌تر دولت اثرگذار باشد. این مساله در کنار کم‌توجهی دولت به لابی با نمایندگان می‌تواند به چالش مهمی برای دولت تبدیل شود. مصادیق این بی‌توجهی حالا به جایی رسیده که علی مطهری، نماینده مردم تهران در مجلس که یکی از حامیان اصلی دولت در مجلس است نیز لب به انتقاد بگشاید. او روزگذشته اعلام کرد: «یکی از علل رای‌نیاوردن نیلی‌احمدآبادی رفتار دولت با مجلس بود، چراکه لزومی ندارد رییس‌جمهور در حین سخنان خود، به مجلس گوشه‌وکنایه بزند.» و همچنین تاکید کرد: «مجلس حساسیت بیش از حدی به حوادث سال۸۸ دارد و ارتباط دولت با نمایندگان حتی با نمایندگان حامی خود کامل نیست.»

مجموعه این مسایل می‌تواند برای هر دوقوه «هزینه/ فرصت» قابل‌تحمیل و بخش زیادی از توان اجرایی کشور را مستهلک کند و بازی سیاسی‌ای که از اقلیت آغاز شد و با برچسب‌های سیاسی به افراد داغ شد را، داغ‌تر از قبل کند. آنچه در این کنش و واکنش‌ها در زمین وزارتخانه‌ای کلیدی و آموزشی، هم ازسوی دولت و هم ازسوی مجلس کمتر موردتوجه قرار می‌گیرد، در وهله اول قضاوتی است که دانشگاهیان نسبت به دولت و مجلس می‌کنند و در وهله دوم بلاتکیفی در مدیریت کلان آموزش‌عالی و تلنبارشدن پرونده‌های آموزشی در مجلس است. فارغ از اینکه دولت در انتخابات سال۱۳۹۲ بخش مهمی از پیروزی خود را مدیون این طبقه اثرگذار در تاریخ سیاسی کشور بود و نمایندگان مجلس در ادامه برای انتخاباتی با مشارکت بالا چشم امید به دانشگاهیان برای گرم‌کردن تنور انتخابات دارند.

## رمزگشایی «عدم اعتماد»

به نظر می‌رسد که مناقشه اصلی میان «بهارستان» و «پاستور» دقیقا بر سر این نکات باشد تا بر سر اینکه چرا آقای روحانی در معرفی نیلی‌احمدآبادی، «لابی» لازم را انجام نداد. بسیاری از ۱۶۰ نماینده‌ای که دیروز به وزیر پیشنهادی آقای روحانی رای منفی دادند، اگر مطمئن می‌شدند که دولت، همان سیاست‌های بسته، سنگین و به‌قول آقای روحانی، «امنیتی» دولت گذشته را در دانشگاه‌ها از سر خواهد گرفت یقینا به هر گزینه‌ای «رای‌اعتماد» می‌دادند و نامزد معرفی‌شده را به پشت میز وزارت در «شهرک‌غرب» می‌فرستادند. اما از دید آنان، متاسفانه، نیلی‌احمدآبادی ادامه‌دهنده همان مسیر فرجی‌دانا بود و بالطبع، آنان هم به وی رای ندادند. هر فرد دیگری را هم که آقای روحانی در آینده به مجلس معرفی کند، هرقدر هم به‌مانند یک‌سال گذشته به مجلس عزت و احترام بگذارد، اگر همچنان خواسته باشد سیاست‌های فرجی‌دانا را ادامه دهد، رای اعتماد نخواهد گرفت. می‌ماند این سوال که آیا دانشگاه‌های کشور باید بر سبک‌وسیاق دولت آقای احمدی‌نژاد اداره شوند یا مطابق آنچه دولت یازدهم می‌خواهد؟ به نظر می‌رسد انتخابات ۲۴خرداد ۹۲ پاسخ روشنی به این پرسش داده باشد.

### انتظامی، معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد:

# عادت کردیم همه چیز را گردن رسانه‌ها بیندازیم

**عصرایران:** معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد، میهمان تلفنی برنامه «متن، حاشیه» شبکه‌سه سیما بود و درباره عملکرد رسانه‌ها پیرامون مساله اسیدپاشی صحبت کرد. در این برنامه، مجری می‌کوشید رسانه‌ها را متهم ماجرای اسیدپاشی معرفی کرده و برای دو خبرگزاری، ایجاد مشکل کند که انتظامی گفت نباید با شتابزدگی دراین‌باره قضاوت کرد. پیش از آنکه ارتباط تلفنی با حسین انتظامی برقرار شود در این برنامه گزارشی درباره عملکرد رسانه‌ها پیرامون ماجرای اسیدپاشی‌های اخیر شهر اصفهان پخش شد؛ گزارشی که در آن رسانه‌ها متهم به ایجاد التهاب و تشویق اذهان‌عمومی شده بودند. پس از پخش این گزارش حسین انتظامی، در پاسخ به این پرسش که رسانه‌ها چقدر در تشویش اذهان‌عمومی نقش داشتند، گفت: «این موضوع از چند زاویه قابل‌بحث است؛ نخست اینکه وظیفه رسانه اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی است. در کارویژه‌هایی که برای کار رسانه‌ای تعریف شده است، آمده که رسانه‌ها باید مخاطرات اجتماعی را مطرح کنند و سواد زیست اجتماعی را بالا ببرند.»مدیر مسوول پیشین روزنامه‌های «جام‌جم» و «همشهری» افزود: «از این جهت درست نیست که رسانه‌ها به تحولات اجتماعی بی‌تفاوت باشند چون نمایندگی افکارعمومی را برعهده دارند.» معاون مطبوعاتی دولت یازدهم همچنین با اشاره به این نکته که در کشور ما عادت کردیم همه چیز را به گردن رسانه‌ها بیندازیم، گفت: «در کشور ما این ایراد هست که خیلی از اشکالات را به‌گردن رسانه‌ها می‌اندازند. یک‌نفر رای نمی‌آورد، به‌گردن تیم رسانه‌ای‌اش می‌اندازد، مردم در برخی مشارکت‌های اجتماعی شرکت نمی‌کنند، به‌گردن رسانه‌ها می‌اندازیم، در واقع رسانه‌ها مرغ عروسی و عزا شده‌اند که باید به‌هرحال سرشان بریده شود.»انتظامی ادامه داد: «در بحث روزنامه‌نگاری، بحث روزنامه‌نگاری بحران را داریم که افراد باید مهارت داشته باشند. اصلا یکی از تفاوت‌های رسانه حرفه‌ای با رسانه‌های آماتور مثل وبلاگ و شبکه‌های اجتماعی و... این است که در رسانه حرفه‌ای افراد حرفه‌ای مشغول فعالیت هستند. کسانی که مهارت کافی و قدرت تحلیل بالا دارند و مخصوصا در مواقع بحران احساساتی نمی‌شوند. در این نوع روزنامه‌نگاری جلوگیری از التهاب در جامعه یکی از وظایف روزنامه‌نگاری بحران است که در عین اطلاع‌رسانی، باعث آرامش هم باشد. در این نوع روزنامه‌نگاری حتی در مواقعی بحث خودسانسوری هم مطرح می‌شود.»در این لحظه مجری برنامه با قطع‌کردن صحبت‌های حسین انتظامی به نقش اطلاع‌رسانی دو خبرگزاری اشاره کرد و گفت که این دورسانه تشویق اذهان‌عمومی کرده‌اند و نظر انتظامی درباره این دورسانه چیست؟ معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد هم با اشاره به جلسه هیات‌نظارت بر مطبوعات گفت: قرار است در این مورد تحقیق شود تا مشخص شود کدام رسانه التهاب ایجاد کرده است و کدام‌یک این اتفاقات را به موضوعات سیاسی دیگر ربط داده‌اند. او همچنین گفت: «رسانه‌ها باید مراقبت کنند که التهاب به‌وجود نیاورند و بین اتفاقات روابط غیرمنطقی ایجاد نکنند چون این کار از ویژگی‌های رسانه‌های زرد است و از مدار فعالیت‌های یک‌رسانه حرفه‌ای خارج می‌شود.»در ادامه این برنامه اما مجری اصرار داشت که بداند بالاخره به این دورسانه تذکری داده خواهد شد یا نه؟ که انتظامی گفت این موضوع در حال بررسی است: «ما نمی‌توانیم شتاب‌زده رفتار کنیم. هیات نظارت بر مطبوعات فرادستگاهی است و بر عملکرد رسانه‌ها نظارت می‌کند و وقتی می‌خواهد موضوعی را بررسی کند، باید همه جوانب بررسی شود.»مجری از او پرسید که آیا این کار تعلل در تذکر به این رسانه‌ها نیست؟ و انتظامی باز هم تاکید کرد که «نباید احساساتی برخورد کرد.»در پایان این برنامه مجری از حسین انتظامی پرسید آیا شما زمانی مدیرمسوول خبرگزاری خبرآنلاین نبودید که او پاسخ داد، خیر، من مدیرمسوول روزنامه «جام‌جم» و «همشهری» بوده‌ام و پنج‌دوره نماینده مدیران مسوول در هیات‌نظارت بر مطبوعات بوده‌ام. مجری بعد از این اشتباه خود از انتظامی تشکر و خداحافظی کرد و در حالی که می‌خواست برنامه را با یک‌بیت شعر تمام کند، با ادای دو کلمه از شعر، شعر را فراموش کرد و بعد از بیان چندباره آن کلمات و به خاطر نیاوردن شعر، با بیان اینکه در برنامه زنده پیش می‌آید، برنامه را جمع کرد!

### فرمانده «ناجا»:

## جلسات «شورایعالی فضای مجازی»، بدون حضور رییس‌جمهوری هم برگزار می‌شود

**شرق:** نوزدهمین جلسه «شورایعالی فضای مجازی کشور» که پس از پنج‌ماه تاخیر قرار بود ۲۶مهر برگزار شود به تاریخی دیگر موکول شد. گفته می‌شود دلیل برگزارنشدن این جلسه عدم حضور حسن روحانی رییس‌جمهور بود، حالا روز گذشته فرمانده نیروی انتظامی با تاکید بر اینکه «جلسات «شورایعالی فضای مجازی»، بدون حضور رییس‌جمهوری هم برگزار می‌شود»، به «تسنیم» گفت: «در صورت نبود رییس‌جمهوری و طبق آیین‌نامه این شورا، سران قوای دیگر ریاست جلسه را برعهده بگیرند. مشکلات مربوط به برگزاری جلسات شورایعالی فضای مجازی برطرف شده و جلسه نوزدهم این شورا به زودی تشکیل می‌شود.»اسماعیل احمدی‌مقدم درباره زمان برگزاری جلسه نوزدهم این شورا تاکید کرد: «متاسفانه در برگزاری جلسات این شورا تاخیری ایجاد شده که گویا در ارتباط با دستور جلسه آتی آن بوده است، اما کارگروه‌های تخصصی و زیرمجموعه این شورا و مرکز ملی فضای مجازی فعال هستند. ظاهرا دستور جلسه نیز به سرانجام رسیده و مشکلات برگزاری نوزدهمین جلسه شورا حل شده و به‌زودی شاهد تشکیل جلسه آن خواهیم بود.»هجدهمین جلسه این شورا ۱۰خرداد برگزار شده بود و بر مبنای اساسنامه جلسات «شورایعالی فضای مجازی» باید هر سه‌هفته یک‌بار به ریاست رییس‌جمهور برگزار شود اما اکنون بعد از پنج‌ماه هنوز تاریخ نشست بعدی آن مشخص نیست. اعضای «شورایعالی فضای مجازی» از سوی مقام معظم رهبری و برای مدت سه‌سال انتخاب می‌شوند، اعضای کنونی طی حکمی در اسفندماه سال ۹۰ انتخاب و معرفی شدند. این اعضا به این شرح هستند: رییس مجلس شورای اسلامی، رییس قوه‌قضاییه، رییس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، دبیر شورایعالی و رییس مرکز، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، وزیر اطلاعات، رییس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، رییس سازمان تبلیغات اسلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و همچنین اعضای حقیقی: حجج اسلام و آقایان: حمید شهریاری، سیدجواد مظلومی، مسعود ابوطالبی، کامیار ثقفی، رسول جلیلی، محمد سرافراز و علیرضا شاه میرزایی. بر این اساس، تعداد اعضای عضو «شورایعالی فضای مجازی» که عضو دولت هستند و به‌لحاظ فکری انتظار می‌رود در چارچوب برنامه‌های دولت و دستورات رییس‌جمهور عمل کنند شش‌نفر هستند، حال آنکه کل اعضای این شورا ۲۴نفر هستند. یکی از موضوعاتی که قرار است در جلسه آتی این شورا پیگیری و به رای گذاشته شود موضوع مناقشه‌برانگیز شبکه‌های اجتماعی و موبایل‌محور مانند «وایبر» و «واتس‌اپ» و «تانگو» است. در هفته‌های اخیر بارها مسوولان و رسانه‌های منتقد دولت خواستار «فیلتر» این شبکه‌ها شده بودند اما اعضای دولت و رییس‌جمهور، موافق این تصمیم نیستند. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه اعضای دولتی حاضر در این شورا در اقلیت قرار دارند، خروجی جلسه احتمالی بعدی، مصوبه فیلترکردن این شبکه‌ها باشد. در همین حال خبرگزاری‌های منتقد دولت با انتشار مجموعه گزارش‌ها و مصاحبه‌هایی با دیگر اعضای این شورا و مسوولان دیگر ضمن انتقاد نسبت به عدم برگزاری جلسه نوزدهم شورا خواستار برگزاری آن هستند. به‌عنوان مثال خبرگزاری «تسنیم»، از رسانه‌های منتقد دولت روز گذشته مطلبی منتشر کرد با این عنوان «تاکید مسوولان کشور بر برگزاری جلسات شورایعالی فضای مجازی». در این گزارش آمده بود «تاکید مسوولان کشور بر برگزاری هرچه‌سریع‌تر این جلسات است و هیچ توجیه منطقی تاکنون در ارتباط با این کوتاهی‌ها ارایه نشده است.» در این مطلب با حجت‌الاسلام‌والمسلمین ابراهیم رییسی دادستان کل کشور، حجت‌الاسلام نصرالله پژمانفر عضو کمیسیون فرهنگی مجلس، حجت‌الاسلام‌والمسلمین حمید شهریاری، حجت‌الاسلام احمد سالک رییس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی که هم عضو شورایعالی فضای مجازی هستند گفت‌وگو شده و همه خواستار تشکیل هر چه سریع‌تر جلسه این شورا بودند. حجت‌الاسلام سالک در همین گفت‌وگو با انتقاد از راه‌اندازی «اینترنت» باسرعت بالا روی گوشی‌های همراه تاکید کرد باید هرچه‌سریع‌تر این جلسه برگزار شود.

عکس: مهناز ناظری

### رزمنده‌ای از ۲۷ سال زیستن بدون صورت می‌گوید

## زندگی به زحمتش می‌ارزد

**مجید خاکپور: تا آمده بود به خودش بجنبد صورتش رفته بود؛ تمام و کمال. نفهمید آن بلایی که چهره‌اش را با خود برد و دنیا را تا ابد برای او و خانواده‌اش به هم ریخت، از کجای آسمان نازل شد. پس از ۲۰روز به هوش می‌آید، روی تخت بیمارستان؛ تختی که ۱۸ماهِ سخت و کشنده را روی آن می‌گذراند و در این مدت ۲۶بار به اتاق عمل می‌رود و سروصورتش را به تیغ جراحان می‌سپارد تا بلکه چیزی را به‌جایی که روزی اسمش صورت بوده بازگردانند، اما نه انسان، خداست و نه دستان پزشکان معجزه می‌دانند. تمام گوشت و پوست و استخوان‌هایی که از سر و بازو و ران و لگن برمی‌دارند و روی هم وصله پینه می‌کنند، چیزی می‌شود که می‌توان هر نامی بر آن نهاد، الا صورت. وقتی لبی در کار نباشد، کلمات شکسته بسته از حفره‌ای به اسم دهان بیرون می‌آیند، حرف‌زدن برایش دشوار است، بعد از هرچند کلمه مکثی می‌کند و بعد دوباره پی حرفش را می‌گیرد. سخت‌تر از آن، اینکه دیگران حرف‌هایش را نمی‌فهمند، به همین خاطر گاهی همسرش به کمک می‌آید و با آواهایی که پس از عمری، دیگر برایش حکم زبانی مخصوص را پیدا کرده است، کمک‌مان می‌کند در فهم‌کردن. ۲۷سال‌وسه‌ماه‌وهشت‌روز از بی‌صورت‌شدن «رجب محمدزاده» گذشته است که به خانه‌اش می‌رویم، ۲۷سال‌و سه‌ماه‌وهشت‌روز می‌گذرد که انسانی نه لبی برای خندیدن و بوسیدن دارد و نه چشمی برای گریستن. ۲۷سال‌وسه‌ماه‌وهشت‌روز؛ حساب روزهای سخت از دست آدم درنمی‌رود. اما چه باید کرد؟ می‌توان کرکره را پایین کشید و زندگی را تعطیل کرد؟ یا باید ماند و بهانه‌ای برای زیستن یافت؟**

**چقدر زمان لازم است تا یک انسان صورتش را از دست بدهد؟**

شاید کمتر از یک ثانیه.

**برای شما چطور اتفاق افتاد؟**

آخرین چیزی که خاطرم مونده اینه که با دوتا دیگه از هم‌سنگرام داشتیم وسط چادر چندتکه یخ رو می‌شستیم که بندازیم تو کلمن و آب یخ درست کنیم که یهو صدای انفجار اومد... دیگه چیزی یادم نیست تا روزی که توی بیمارستان به هوش اومدم. بعد فهمیدم که خمپاره بوده که نزدیک چادر ما منفجر شده.

**پس از این خمپاره‌ها بود که کسی نمی‌تواند ردش را بزند؟**

بله، از خمپاره‌های نامرد بود؛ خمپاره ۶۰.

**سرنوشت هم‌سنگرهای شما با این خمپاره به کجا کشید؟**

یک‌نفر همون‌جا شهید شد و یکی دیگه که بچه محل هم بودیم، یک‌دست و یک‌پاش رو از دست داد.

**دوست جانباز شما چیزی از آن لحظات یادش هست؟**

(طوبی زرندی، همسر حاج رجب ماجرا را اینگونه تعریف می‌کند: بعدها که دوست حاجی رو دیدیم گفت وقتی خمپاره خورد جلوی چادر یک دفعه حاجی افتاد، خودم هم خوردم زمین، خواستم بلند بشم برم سمت حاجی، دیدم نمی‌تونم؛ یک دست و یک پام قطع شده بود.)

**کی فهمیدید ترکش خمپاره صورت‌تان را برده؟**

بعد از اون اتفاق منو برده بودن توی بیمارستانی در تبریز، بعد که دیده بودن وضعیتم خیلی وخیمه و نمی‌تونن کاری بکنن، انتقالم میدن تهران، ۲۰روز بی‌هوش بودم، وقتی به هوش اومدم صورتم باندپیچی بود، بعد دکترا بهم گفتن چی شده، ولی اون موقع هنوز صورت خودم رو ندیده بودم.

**وقتی صورت خودتان را بدون باند دیدید، چی؟ خودتان را شناختید؟**

وقتی صورت خودم رو دیدم، خندیدم.

**خندیدید؟!**

بله خندیدم، یادمه به خودم گفتم ببین چه قیافه‌ای شدی، من آدم شوخی بودم. (صدایی از حنجره حاج رجب می‌زند بیرون، هیچ شباهتی به صدای خنده ندارد، در صورتش هم که هیچ ماهیچه‌ای در آن نمانده، هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود، او مردی است که هیچ‌چیز را نمی‌شود از چهره‌اش خواند، نه اندوه، نه شعف. در این لحظه همسر حاج رجب می‌خندد و می‌گوید: حاجی همیشه هم خنده‌رو بود و هم خیلی اهل شوخی.)

**در هر صورت فکر می‌کنم خندیدن سخت‌ترین کاری بود که می‌شد در آن لحظه کرد، راستش برای من غیرقابل‌تصور است.**

من صورتم را برای خدا دادم، برای کشورم دادم، ناراحتی نداره.

**درسته، برای خدا خیلی‌ها دست و پا دادند، خیلی‌ها جان‌شان را دادند، اما جانبازی شما کمی متفاوت است.**

خب این هم قسمت من بوده، راضیم به رضای خدا.

**برای بهبود وضعیت صورت‌تان، حتما تحت عمل هم قرار گرفتید.**

بله، ۱۸ماه بستری بودم و در این مدت ۲۶بار اتاق عمل رفتم. (طوبی زرندی روزی که چهره همسرش را در بیمارستان دیده، چنین به یاد می‌آورد: دفعه اولی که حاجی‌رو دیدم بی‌هوش شدم، بعد از چند روز که دکتر اومد باند صورت حاجی‌رو عوض کنه، دیدم که اصلا چیزی به اسم صورت نداره، حتی زبون کوچکِ ته حلق دیده می‌شد، بینی نداشت، یک چشمش کور شده بود و یک چشمش هم‌افتادگی شدید داشت؛ ترکش خمپاره همه صورت حاجی رو برده بود.)

**اما ظاهرا کار زیادی از دکترها برنیومده.**

دکترای ما در زمان جنگ خیلی زحمت می‌کشیدن، بعضی روزها ۱۰، ۱۵ تا عمل جراحی انجام می‌دادن، اونا زحمت خودشون رو کشیدن و ممنونشون هم هستم، اما بهتر از این نشد. روی صورتم هیچی نمونده بود، این چیزی هم که دارین می‌بینین گوشت‌ها و استخوانایی که از سر و بازو و ران و لگن برداشتن و روی صورت پیوندزدن. (همسر حاج رجب رشته کلام را به دست می‌گیرد تا مردش نفسی چاق کند: از روی سر حاجی یک تیکه استخون برداشتن که به جای بینی پیوند بزنند که نگرفت و چرک کرد و مجبور شدن برش دارن، الان روی جمجمه همون قسمت بدون استخون و نرمه. ریش‌هایی هم که روی صورت حاجی می‌بینین، در واقع قسمتی از پوست سرشونه که برداشتن و به صورت پیوند زدن.)

**عکس العمل بچه‌هایتان چی بود وقتی شمارو با این وضعیت دیدند؟**

اون زمان چهار تا بچه قد و نیم‌قد داشتم که دیگه نمیومدن تو بغلم، ازم فرار می‌کردن، اما بعد از مدتی دیگه ترس‌شون ریخت و عادت کردن؛ یادمه چند وقت بعدش هم به حاج خانوم گفتم که می‌دونم زندگی کردن با مردی با این قیافه سخته و هر وقت دلش خواست و نتونست تحمل کنه، آزادِه که جدا شه (با تنها چشمی که آن هم حال خوشی ندارد به همسرش نگاه می‌کند)، اما حاج خانم پای من موند.

**با این صورت چطور با نگاه مردم کنار آمدید؟**

هنوز هم نتونستم کنار بیام.

**بعد از ۲۷سال هنوز عادی نشده برایتان؟**

اوایل سخت بود، حتی بارها با خودم می‌گفتم کاش شهید شده بودم که دیگه نه خودم و نه زن و بچه‌ام عذاب نکشیم و مردم هم ناراحت نشن. البته حالا خیلی ساله برای من عادی شده، اما برای مردم نشده. من برای خودم ناراحت نیستم، روزی صدبار عذاب می‌کشم چون مردم با دیدن من ناراحت میشن. (همسر حاج رجب می‌گوید: اینقدر جوش زد که سکته قلبی کرد و مجبور شد عمل قلب باز کنه.)

**شما می‌گویید به خاطر اینکه مردم شما را با این چهره می‌بینند عذاب وجدان دارید، یعنی تا حالا اتفاق نیفتاده که از نگاه و رفتار مردم دلخور شوید؟**

نمی‌شه که نشده باشه، شده، چندبار.

**چه برخوردی شما را بیشتر از همه رنجاند؟**

یک‌بار با عیال بحث کردم (با صدا و بی‌لبخند، می‌خندد)، از خونه زدم بیرون، گفتم ناهار رو بیرون می‌خورم، چند تا خیابون رو دور زدم، ۱۰ تا رستوران بیشتر رفتم، اما هیچ کدوم راهم ندادن، آخرش رفتم مغازه کل‌پزی که آشنا بود، گفتم یه ذره آب گوشت‌داری، گفت برو اون عقب بشین برات بیارم؛ یه جایی ته مغازش بود که من همیشه اونجا می‌نشستم، تا بقیه ناراحت نشن و از مغازه نرن بیرون.

**با خانواده هم بیرون می‌روید؟**

نه، یعنی خیلی کم. (خانم زرندی به همسرش نگاه می‌کند و با گلایه می‌گوید: حاج‌آقا خودش با ما بیرون نمیاد، یا اگر هم بیاد چند قدم جلوتر یا عقب‌تر راه می‌ره تا مردم فکر نکنن ما با همیم و یک‌طوری نگاه کنن که ناراحت بشیم، برای خاطر ما، با ما بیرون نمیاد، هرجا میره تنهاست.)

**تا حالا با خودتان فکر کردید اون کسی که گلوله خمپاره رو گذاشت توی لوله خمپاره‌انداز و چادر شما رو نشانه رفت، کی بوده؟ توی ذهن‌تان چهره‌ای برای او متصور شدید؟**

خب در اینکه کسی که این کار رو با من کرد، دشمن بود که شکی ندارم؛ ما توی منطقه‌ای به اسم «ماووت»، یک کیلومتر توی خاک عراق بودیم و توی اون منطقه‌ای که ما بودیم نیروهای عراقی خیلی به ما نزدیک بودن، تا جایی که ما حتی در روز اجازه بیرون‌رفتن از چادر رو نداشتیم، ولی هیچ‌وقت نخواستم بدونم کی بوده، ما توی جنگ بودیم و اون دشمن ما بود، دشمن هم دشمنِ، دیگه فرقی نمی‌کنه.

**شما توانستید راحت با زندگی بدون صورت کنار بیایید چون پای اعتقاد محکمی وسط بوده، به گفته خودتان به‌خاطر خدا و کشور و ناموس جنگیدید و این‌طور شدید، اگر این اتفاق در زندگی روزمره و برای هیچ و پوچ می‌افتاد چی؟**

خیلی سخته، خیلی فرق داره، اصلا قابل مقایسه نیست. اگر غیر از جنگ باشه آدم دلش می‌خواد کسی که این کار رو باهاش کرده، نابود بشه؛ یعنی انتقام بگیره. (همسر حاج رجب بی‌تفاوت نمی‌نشیند و به حوادث اسیدپاشی اخیر در اصفهان اشاره می‌کند: توی اخبار گفتن روی صورت چند تا دختر جوون اسید پاشیدن، اونا بی‌گناه‌بودن، یک عمر می‌سوزن. وقتی دلم رو می‌گذارم جای دل مادراشون آتیش می‌گیرم، من خودم مادرم، می‌فهمم چی می‌کشن. حاجی صورتش رو توی جنگ و به خاطر خدا داد، اینها چی؟ الان که نه جنگی هست و نه دعوایی.)

**عکس‌هایی از شما دیدم کنار نوه‌هایتان، رابطه نوه‌ها با شما چطور است؟**

(حرف نوه‌ها که می‌شود سر ذوق می‌آید، صدای خنده خش‌داری می‌ریزد توی هوای اتاق) نوه‌ها رو خیلی دوست دارم، اونا هم خیلی منو دوست دارن، میان برام شعر می‌خونن، می‌بوسنم، روی پام می‌شینن و با هم بازی می‌کنیم، دنیایی داریم برای خودمون.

**در حرف‌هایتان اشاره کردید که بارها با خودتان گفتید کاش شهید می‌شدید و این اتفاق برایتان نمی‌افتاد، اما این‌طور که معلوم است خیلی با نوه‌هایتان خوش هستید و از بودن با آنها لذت می‌برید، حالا اگر برگردید و به گذشته نگاه کنید، فکر می‌کنید زندگی به زحمت و سختیش می‌ارزد؟**

بله، بله، زندگی به زحمتش می‌ارزه.

نگاه

## رفاه در گفتمان اعتدال

روزبه کردونی
مدیرکل دفتر امور آسیب‌های اجتماعی

● رفاه اجتماعی مفهومی است که با ارزیابی و بهبود زندگی انسان‌ها مرتبط است و تامین نیازهای مختلف و اساسی افراد جامعه را مدنظر قرار می‌دهد و مفاهیم محوری نظیر نیازها (آنچه مردم باید داشته باشند)، منافع (آنچه برای مردم خوب و سودمند است) و خواسته‌ها (آنچه مردم برای خود انتخاب می‌کنند) را شامل می‌شود. معمولا هر ملتی پیگیر دستیابی به شکوفایی و رونق و رفاه است، بنابراین در اینکه رفاه باید وجود داشته باشد یا نه بحثی وجود ندارد، بلکه بحث در این است که چه مقدار امکان دستیابی به امکانات لازم برای فراهم‌کردن رفاه وجود دارد؟ چه بعدی از ابعاد رفاه باید محقق شود؟ چه رویکردی برای دستیابی به رفاه مدنظر است و هدف تحقق رونق و رفاه چگونه باید پیگیری شود؟ در این میان با توجه به اینکه جلسه شورایعالی رفاه و تامین‌اجتماعی در هفته گذشته پس از سال‌ها تعطیلی به ریاست رییس‌جمهور و دبیری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی برگزار شد، ضروری است به این سوال پاسخ داده شود که گفتمان و رویکرد رفاهی در دولت تدبیر واجد چه مولفه‌هایی است. لازم به ذکر است بحث درخصوص گفتمان‌های رفاهی از آن رو مفید و مثمر ثمر است که می‌تواند برای شناخت خط مشی اجتماعی، تدوین سیاست‌ها، ارایه راهبردها، شناخت صحیح از روابط پیچیده پدیده‌های رفاهی و بررسی، ارزیابی و تفسیر دستاوردهای مولفه‌های مرتبط با رفاه اجتماعی موثر باشد. واکاوی سخنان رییس‌جمهور نشان می‌دهد مولفه‌های رفاهی در گفتمان اعتدال مفاهیم عدالت، توسعه همه‌جانبه و متوازن، مردمسالاری، مشارکت، دوری از افراط، خردورزی، اخلاق‌گرایی، افزایش امید و نشاط در جامعه، تفاهم، تعادل‌بخشی منطقه‌ای، کاهش نابرابری اجتماعی، پاسخگویی امنیت چندجانبه‌نگر و گفت‌وگوی اجتماعی می‌باشند. گفتمان اعتدال آن برداشت خشن و مشت آهنین نئولیبرالی از رفاه و توسعه را که نسبت به آسان‌گیری‌های سیاسی، صرف هزینه‌های زیاد اجتماعی و برنامه‌های فقرزدایی نگاه مثبت ندارد و با تاکید بر ضرورت سختگیری در فرآیند توسعه، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، برخورداری از شبکه‌های تامین‌اجتماعی برای حمایت از فقیرترین مردم، ارایه خدمات اجتماعی به مردم، احترام به حقوق سیاسی و مدنی، توانمندسازی محرومان و لزوم شنیده‌شدن صدای فقرا را به زمانی موکول می‌کند که فرآیند توسعه به حد کافی به بار نشسته باشد، نمی‌پذیرد و رد می‌کند. گفتمان اعتدال، تامین نیازها، خواسته‌ها و منافع مردم را در یک فرآیند «دوستانه توسعه» پیگیری می‌کند که طی آن «گروه‌های آسیب‌پذیر مورد حمایت جدی هستند»، «گسترش عاطفه و مهربانی در نهادهای اجتماعی دولتی مورد تاکید است» و «شکل‌گیری جنبش عظیم برای شنیدن صدای محرومان، فقرا و کارگران مورد توجه است.» پیش‌فرض‌های رفاهی در گفتمان اعتدال بر این اصول استوار است که «فضای آزاد، معنوی و عقلانی جامعه نباید دچار چالش شود»، «باید فرصت برابر در زمینه‌های اجتماعی برای زنان فراهم شود»، «نباید مبارزه با فساد و تبعیض به حاشیه برود»، «باید زمینه برای مشارکت گسترده مردم در همه زمینه‌ها فراهم شود»، «اخلاق اجتماعی، رشد فردی، دین‌مداری و آزادی‌های مدنی گسترش یابد»، «خرد جمعی مبنای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی باشد»، «حقوق اقلیت استیفا شود» و «حِق دانستن و در جریان اموربودن مردم به رسمیت شناخته شود.» در گفتمان رییس‌جمهور، از یکسو بیان می‌شود «توسعه کشور، بالاترین امربه‌معروف است» و «بیکاری و فقر بالاترین منکر است» و از سوی دیگر عنوان می‌شود «۷۵میلیون جمعیت کشور آمربه‌معروف و ناهی‌ازمنکر هستند.» این بدین معناست که حرکت به سمت توسعه و رفاه یک امر دولتی، دستوری، آمرانه و از بالا به پایین محسوب نمی‌شود، بلکه تحقق رفاه و ازبین‌رفتن فقر و بیکاری تنها در سایه مشارکت همه شهروندان و شریک‌بودن آنان در فرآیند توسعه فراهم می‌شود. جمع‌بندی اینکه، واکاوی و تحلیل گفتمان سخنان نشان می‌دهد نقطه عزیمت در گفتمان رفاهی دولت تدبیر و امید، تکیه بر دوستانه‌بودن و مردمسالاربودن فرآیند توسعه، حمایت از فقرا و توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر به‌منظور مشارکت در فرآیندهای سیاست رفاهی همراه با گسترش اخلاق اجتماعی، رشد فردی، دین‌مداری و آزادی‌های مدنی است.

خبر

## تغییر نام بلوار «مدیریت» به آیت‌الله‌مهدوی‌کنی

● **ایسنا:** رییس کمیته نام‌گذاری معابر شهر تهران با بیان اینکه بیش از ۹۰درصد اسامی‌ای که روی معابر نهاده می‌شود برگرفته از نام شهداست، گفت: به‌زودی بلوار مدیریت به نام آیت‌الله‌مهدوی‌کنی نام‌گذاری می‌شود. صبح دیروز مراسم نام‌گذاری پل شهیدعلی خلیلی (شهید امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر) با حضور مجتبی شاکری، رییس کمیته نام‌گذاری معابر شورای‌شهر تهران، علی‌اکبر انجمنی، شهردار منطقه۱۵ و مادر شهیدعلی خلیلی، در محدوده مجموعه پل‌های بسیج برگزار شد.